

گزارش

ابراز نگرانی شورای امنیت از اوضاع یمن

■ شورای امنیت سازمان ملل متحد، شامگاه سه‌شنبه نخستین جلسه خود برای بررسی شرایط یمن را بدون صدور بیانیه خاتمه داده و با ابراز نگرانی از وخیم‌تر شدن اوضاع در این کشور خواستار خویشتن‌داری شد. هم‌زمان، پلیس یمن سه تظاهرکننده را به ضرب گلوله به قتل رساند. به گزارش خبرگزاری آلمان، این جلسه که به درخواست آلمان برگزار شده بود در نهایت منجر به صدور بیانیه‌ای در مورد یمن نشد، چرا که برخی از هیات‌های دیپلماتیک گفتند که نیاز به مشورت با پایتخت‌های خود را دارند. رویترز به نقل از دیپلمات‌های آگاه خبر داد که اعضای شورای امنیت در نخستین جلسه‌ای که به بررسی خشونت در یمن اختصاص داشت، خواستار «خویشتن‌داری» و «گفت‌وگوی سیاسی» در این کشور شدند. در این جلسه، اعضای شورای امنیت به گزارش‌های لین یاسکو، رئیس امور سیاسی در سازمان ملل متحد و جمال‌بن عمر، مسول بلندپایه سازمان ملل که اخیراً از طرف بان‌کی‌مون از یمن بازدید کرده بود، گوش دادند. بن‌عمر به روزنامه النهار لبنان گفت که وی به اعضای شورای امنیت، وضعیت سفر خود به یمن و دیدارهایی که با مسوولان این کشور داشته را گزارش داده و افزود: «سیاست ما حمایت از تلاش‌های محلی و منطقه‌ای است بدون اینکه وارد جزئیات شویم.» پیتر فیٹیگ، سفیر آلمان در شورای امنیت پس از خاتمه جلسه خطاب به خبرنگاران گفت که ما نسبت به بحرانی‌تر شدن وضعیت یمن ابراز نگرانی کرده و خواستار خویشتن‌داری شده و اصرار داریم طرفین درگیری در این کشور هرچه سریع‌تر را دروند گفت‌وگو شوند. به گفته سفیر آلمان، بیشتر اعضای شورای امنیت از تلاش، راه‌کار هاو ابتکار عمل‌های شورای همکاری خلیج فارس در مورد یمن حمایت کرده‌اند.

جزئیات طرح شورای همکاری خلیج فارس

براساس ابتکار عمل شورای همکاری خلیج فارس، علی‌عبدالله صالح، رئیس‌جمهور یمن با واگذاری تمامی اختیارات خود به معاونش از سمت ریاست جمهوری در مدت زمانی مشخص شده، کناره‌گیری می‌کند. با این حال صالح با این ابتکار عمل مخالفت کرده و خواستار این است که پس از واگذاری قدرت به معاونش در پست ریاست‌جمهوری به شکل تشریفاتی و مانند الگوی آلمان باقی بماند؛ امری که اپوزیسیون یمن به شدت با آن مخالفت کرده است. در همین حال سوزان رایس، نماینده آمریکا در شورای امنیت گفت هیات‌های دیپلماتیک زیادی از جمله آمریکا خواستار توقف فوری خشونت در یمن واتخاذ راه‌حلی شدند که در نهایت منجر به نقل و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و روی کار آمدن دولتی شود که از طرف مردم یمن قابل قبول باشد. منابع آگاه گفته‌اند که آلمان و لبنان تلاش کردند تا جلسه شورای امنیت با صدور بیانیه‌ای خاتمه یابد، ولی در نهایت تلاش آنها مثمر نمر واقع نشد. خبرنگاران از یک دیپلمات غربی در سازمان ملل پرسیدند که چه کشورهایی مانع از صدور بیانیه شدند و وی پاسخ داد: «مظنونان همیشگی» که اشاره به چین و روسیه است. این دو کشور به شکل سنتی با هر تصمیمی که به گونه‌ای دخالت در امور کشورهای دیگر محسوب شود، مخالفت می‌کنند.

در انتظار جلسه دیگر شورای امنیت



رویتز به نقل از منابع آگاه خبر داده که پس از مشورت هیات‌های دیپلماتیک با مسوولان کشورها، شورای امنیت ظرف هفته جاری بار دیگر تشکیل جلسه داده و بیانیه‌ای در مورد حوادث جاری در یمن صادر خواهد کرد. جلسه شورای امنیت در حالی برگزار شد که پلیس یمن روز سه‌شنبه بار دیگر بر روی تظاهرکنندگان در دو شهر صنعا و تعز آتش گشوده و دست‌کم سه نفر را کشت. معترضان نیز در مقابل تلاش دارند تا حملات خود علیه حکومت ۲۳ساله علی عبدالله صالح را افزایش دهند. در همین حال، میبانیجی گران عرب که در پی حل و فصل بحران امنیتی در یمن هستند، جلسه‌ای را با هیات ارسالی از طرف دولت یمن در ابوظبی بر گزار کردند تا راه‌های انتقال قدرت در این کشور عربی فقیر بررسی شود.

شرکت کنندگان در این جلسه پس از خاتمه آن، بیانیه‌ای بسیار کوتاه صادر و اعلام کردند که مذاکرات انجام شده بسیار سازنده بود و هر دو طرف درگیری در یمن تمایل دارند، هر چه سریع‌تر به توافق دست یابند. این در حالی است که از طرف اپوزیسیون یمن هیچ فرستاده‌ای در جلسه ابوظبی حضور نداشت.

در گفت‌وگو با دکتر مهدی ذاکریان بررسی شد

جهان در حال تغییر

گروه جهان –مریم مهدوی اصل:جهان در حال تغییر است و ریشه این تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را می‌توان در جنبش‌های مسالمت‌جویانه اجتماعی مردم شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه مشاهده کرد. از اعتراضات مردم در تونس، مصر، بحرین، کویت، عربستان سعودی و سوریه گرفته تا اعتراضات مردمی در بلژیک، کانادا، اسپانیا، ایتالیا، چین، روسیه و… جنبش‌های آزادبخواه ملل جهان، دیگر رنگ و بوی خون و آتش جنگ‌های چریکی قرن ۱۸ و ۲۰ را نمی‌دهند و به قیام‌های پاک و سفید تبدیل شده‌اند. نقش سازمان ملل متحد، نهادهای بین‌المللی مردم‌نهاد، عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، گزارشگران بدون مرز و خبرنگاران بین‌المللی نیز موثر تر شده است و از نقش تک‌محوری دولت‌ها و سیاستمداران برای تصمیم‌گیری در سیاست جهانی کاسته‌اند. دکتر ذاکریان استاد مدعو دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ موسس و ریاست انجمن ایرانی روابط بین‌الملل را عهده‌دار بوده‌اند، دیدگاه‌های خود را در قالب «جهان در حال تغییر» از بعد حقوق بشر، خواستگاه جنبش‌ها، شبکه‌های اجتماعی و نقش سازمان ملل متحد به بحث و بررسی گذاشته‌اند که تقدیم خوانندگان محترم می‌شود.

چرا ناراضایی عمومی که جرقه آن از کشور تونس زده شد و سپس مصر را هم در بر گرفت و موج آن فراگیر شد و به کشورهای بحرین، کویت، یمن و حتی عربستان سعودی – که عنوان می‌شد از یک حکومت قبیله‌ای متمرکز برخوردار است – رسید و آنچرا را هم در برگرفت و باعث غافلگیری سیاستمداران جهان شد؟ دو عامل موثر وجود دارد. اول: شبکه‌های اجتماعی، دوم: خود موضوع ناراضایی عمومی. پدیده ناراضایی عمومی فقط در تونس و مصر وجود نداشت. مخرج مشترک همه کشورهای عربی، ناراضایی عمومی است.

پژوهشگران حقوق بشر و روابط بین‌الملل و همچنین سازمان ملل متحد و حتی سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی معتقدند در بیشتر کشورهای منطقه خاورمیانه ناراضایی وجود دارد، بنابراین ما در چه اول دلیل سرابت این جنبش را از تونس و مصر به سرزمین‌ها و کشورهای دیگر باید در تار ضایعی عمومی بدانیم و دوم، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی یعنی فیس‌بوک، توئیتر، یاهو، ایمیل‌ها، گوگل و یوتیوپ کانال‌های انتقال این جنبشند. شبکه‌های اجتماعی در جریان تحولات خاورمیانه به مانند یک ارتش متمدن عمل کردند. رویداد کنونی که پیش چشم ما اتفاق می‌افتد به مایمی گوید که امروز نباید به قدرت، نفوذ و سلاح نظامی در روابط بین‌الملل خیلی توجه کنیم؛ این خطاست.

یعنی در جهان کنونی، شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های اجتماعی دارند غلبه می‌کنند بر قدرت‌های سیاسی و نظامی؟

دقیقا. امروز جنبش‌های اجتماعی برپایه مبارزات مسلحانه و مبارزات رهایی‌بخش که در دهه ۲۰ و ۵۰ ۶۰ میلادی در قاره آفریقا، آمریکا لاتین و آسیا صورت می‌گرفت، پیروز نمی‌شوند. آن ویژگی دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰ در آمریکای لاتین و آفریقا بود که جنبش‌های رهایی‌بخش با توسل به خشونت و مبارزه با سلاح نظامی پیروز می‌شدند.

در مقایسه تطبیقی شما در میان جنبش‌های آزاد بخواه دهه ۴۰ و ۵۰ و جنبش‌های اجتماعی قرن ۲۱ یک وجه مشترک نیز وجود دارد و آن استفاده از تکنولوژی رادیو و کیبی دهه ۴۰ و ۵۰ است که در قرن ۲۱ بر اثر پیشرفت سریع ارتباطات به نرم‌افزار های یوتیوپ، فیس‌بوک و… توسعه یافته است. ضمن اینکه توسعه ارتباطات باعث مطرح شدن بحث ضمن شدن نیز شده است. آیا می‌توان گفت که پیشرفت تکنولوژی از تباططات باعث نرم شدن جنبش‌های اجتماعی قرن ۲۱ و فراگیر شدن آن برخلاف جنبش‌های چریکی نیمه اول قرن ۲۰ که بر پایه استفاده از سلاح و خشونت بوده، شده است؟

نه، من این اعتقاد را ندارم. اینترنت هم می‌تواند سبب‌ساز تشویق خشونت و گسترش آن شود و هم می‌تواند سبب‌ساز گسترش مدارا و مبارزات حق طلبانه و حق‌جویانه به شیوه مسالمت‌جویانه باشد. امروز یکی از راه‌های موفقیت گروه‌های تروریستی، به کارگیری شبکه اینترنت است. به واسطه همین شبکه اینترنت آنها فعالیت‌های ترسوت‌آمیز خود را در دنیا انجام می‌دهند. نمونه آن گروه ترسنتی القاعده است. امروزه تروریسم دولتی از طریق اینترنت فعالیتش را انجام می‌دهد. بسیاری از فعالیت‌های خرابکارانه و ضدانسانی در دنیا از طریق اینترنت صورت می‌گیرد، مثل قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق زنان و عکسبرداری‌های نامشروع از کودکان.

بنابراین، نگرانی از موضوع اینترنت هم وجود دارد ولی نمی‌توانیم بگوییم اینترنت سبب‌ساز این شده که مبارزات چریکی برای نهضت‌های رهایی‌بخش به حاشیه برود و مبارزات فرهنگی و مبارزات مسالمت‌جویانه و راهپیمایی‌های آرام و اعتراضات سکوت برای جنبش‌های اجتماعی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ثمر‌بخش باشد.

پس چه عواملی باعث شده است که جنبش‌های خشونت‌آمیز نیمه اول قرن ۲۰ به سمت و سوی جنبش‌های مسالمت‌جویانه و آرام قرن ۲۱ گرایش پیدا کنند؟

این پرسش مهمی است. ما با پدیده‌ای در قرن ۱۹ و ۲۰ و در قرن ۲۰ مواجه بودیم به نام انقلاب‌های جهان. انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب روسیه، انقلاب نیکاراگوئه و… منتهی تمام این انقلاب‌ها که مخرج مشترک آنان مبارزه با استبداد، مبارزه با بیگانه و دستپایی به آزادی و حقوق انسانی بود، در جریان پیروزی انقلاب و پس از انقلاب، مبتلا به پیامدها و آسیب‌های مبارزات انقلابی شدند. به همین دلیل وقتی انقلاب فرانسه پیروز شد، در حالی که به دنبال انسداد انسان‌ها بود، گیوتین اختراع کرد. بسیاری از انقلاب‌هایی که پیروز شدند، مثل انقلاب بلشویکی روسیه، به جای اینکه آزادی را برای مردم روسیه به ارمغان آورد، دیکتاتوری پولیترو (دکتر تصمیم‌گیری حزب کمونیست) را برای مردم روسیه به ارمغان می‌آورد و حزب کمونیست به مراتب مستعمرتر از تزار روس شد. در انقلاب‌های جهان همه علاقه‌مند بودند که درب

جهان



دکتر مهدی ذاکریان متخصص مسائل خاورمیانه، عکس: میاد پنیامی

جنگ جهانی اول بیرون آمد ولی نتوانست جلوی به وقوع پیوستن جنگ جهانی دوم را بگیرد؛ ولی سازمان ملل متحد که براساس حوادث جنگ جهانی دوم و با توجه به همان تجربه جامعه ملل پس از پایان این جنگ به وجود آمد، امروزه کار کرد آن توانسته است حتی از جنبش‌های اجتماعی مردم معترض منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا حمایت کند و براساس همان استانداردهای حقوق بشری به آن توجه شود؟

بله، من اعتقاد دارم سازمان ملل متحد در این جنبش‌های مردمی نقش حاشیه‌ای ندارد. از تمام اتفاقات و وقایعی که در شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه صورت گرفت، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، روزنامه گزارش ارایه کرده است، اگر وضعیت، وضعیت سرکوب یا برخورد غیراستاندارد بوده یا برخورد نقض کنوانسیون‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد بوده، خانم نایو پیلای، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل فوراً بیانیه صادر و چنین حرکتی را محکوم کرده است. نمونه بارز و آشکار این موضوع، موضع‌گیری شورای امنیت در قضیه لیبی است که نشان می‌دهد شورای امنیت درباره کشتار انسان‌ها و کشتار مردم‌نگران است. دو قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در قضیه لیبی، دو قطعنامه حقوق بشری محسوب می‌شود. اما اگر سوال شود که آیا سازمان ملل به همه ظالمنش در جنبش‌ها و قیام‌های موجود در خاورمیانه پاسخ داده است، باید عنوان کنم که خیر. هنوز تا نتایج فاصله دارد. فراموش نکنیم که سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم، بازوانی هم پیدا کرده است؛ بازوانی که سبب‌ساز این می‌شود که کشورها به راحتی نتوانند حقوق بشر را نقض کنند. بازوی قوی و اول سازمان ملل متحد، نهادهای ملی و بین‌المللی مردم‌نهاد (INGO) هستند. عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، گزارشگران بدون مرز، وکلای بدون مرز و خبرنگاران جهانی، همه اینها سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهادی هستند که به صورت روزانه گزارش می‌دهند و وضعیت حقوق بشر را در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا منعکس می‌کنند. بدون اینکه از حکومتی جانب‌داری کنیم، مردم‌نهادی هستند. وقتی یک سازمانی دارای سیاسی مخالف باشند. آنان تلاش می‌کنند که واقعیت‌های موجود در یک سرزمین را در مورد نقض حقوق بشر به سازمان ملل متحد گزارش دهند. بنابراین، بازوی اول سازمان ملل متحد امروزه بازوی برتوان سازمان‌های بین‌المللی مردم‌نهاد است که در شورای اقتصادی – اجتماعی سازمان ملل حتی دارای مقام مشورتی هستند. وقتی یک سازمانی دارای مقام مشورتی در سازمان ملل است، گزارش‌ها و مواضع اش می‌تواند مورد توجه و اعتنای جامعه بین‌المللی باشد. بازوی دوم سازمان ملل متحد در واقع رسانه‌های بین‌المللی و رسانه‌های جهانی هستند. امروزه حقایق از لایه‌لای خبرهای رسانه‌های جهانی برای افکار عمومی جهانی و به تبع آن برای سازمان ملل متحد قابل فهم است. شبکه‌های بین‌المللی مانند الجزیره، CNN، BBC world، العربیه و بسیاری دیگر از شبکه‌های خبری و رسانه‌ای که به صورت آزاد و جهانی در اختیار همه مردم دنیا قرار می‌گیرند، منعکس‌کننده اتفاقاتی است که در منطقه خاورمیانه صورت می‌گیرند. بنابراین، سازمان ملل متحد در مقابل دوربینی که دارد گزارش می‌دهد، نمی‌تواند چشم‌پوشش را ببندد. اضافه کنیم به این بازوی دوم، بر توان سازمان ملل، نقش یوتیوپ یا شبکه‌های ویدیویی آزاد، شبکه‌هایی که از طریق اینترنت فیلم‌های ویدیویی را در اختیار همه مردم دنیا قرار می‌دهند، کمک می‌کنند تا سازمان ملل آگاهی و فهم دقیق‌تر و بیشتری از وضعیت اعتراض‌ها در کشورهای متعدد پیدا کنند. به همین دلیل من با نتیجه‌گیری که شما

موافقم. در زمان پس از جنگ جهانی اول، نقطه‌انکای جامعه ملل، گزارش‌ها و سندهای کشورهایها بود. اما از زمان جنگ جهانی دوم به بعد و به ویژه در قرن ۲۱، نقطه اتکای سازمان ملل فقط دولت‌ها نیست، بلکه این دو بازوی بر توانی که نام بردم، کمک‌های وسیع که به دبیرکل و نهادهای حقوق بشری و زیرمجموعه‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد ارایه می‌کند.

سفید یا قیام پاک» بود. در مقابل «قیام سفید یا قیام پاک» شمانی توانید اخلاخ علیه امنیت مصر یا بر هم زدن نظم عمومی جامعه را نسبیت بدهید. به همین دلیل جامعه بین‌المللی هم این نوع قیام‌ها را بازداشت.

نظام بین‌الملل موجود که در حال تغییر است با چه پدیده‌ای روبه‌رو است؟ قرار است در این نظم جدید بازی‌های منطقه‌ای در صحنه روابط بین‌الملل، با توجه به اعتراض‌های مردمی در اروپا و شمال آفریقا و منطقه خاورمیانه و گاه در آسیا چه اتفاقی بیفتد؟

اتفاق افتاده است و آن اینکه مردم یاد گرفت‌اند حقوق خودشان را از دولت‌ها بخواهند. منتها این اتفاق در کشورهای پیشرفته و در کشورهایی مانند آمریکای شمالی و اروپای باختری خیلی وقت است که اتفاق افتاده است. اعتراض‌های موجود در بلژیک یا سایر کشورهای اروپا یا حتی در کشورهای آمریکای شمالی اتفاق تازه‌ای نیست. مردم در هر زمانی که در مورد تصمیمات سیاسی نظام خودشان اعتراض داشته‌اند به راحتی و به آسانی به خیابان‌ها آمده‌اند.

شما فکر می‌کنید که تغییر رفتار قدرت‌های سیاسی جهان با تحولات و جنبش‌های اجتماعی مردم منطقه خاورمیانه چگونه خواهد بود؟

این یک واقعیت تلخ است که قدرت‌های بزرگ در مقابل مطالبات آزادخواهانه ملت‌های خاورمیانه با احتیاط و تاخیر بر خورد کردند. ما باید این را یاد بگیریم که وقتی خواسته‌های به حق، دموکراتیک و آزادخواهانه ملت‌های شمال آفریقا آغاز شد و بعد در سایر کشورهای خاورمیانه اتفاق افتاد، کشورهای بزرگ نظام بین‌الملل فوری از این حقوق و مطالبات حمایت نکردند. دبلیش اینن است که تغییر نظام سیاسی در یک کشور خاورمیانه یک بحث است و تغییر نظم بین‌المللی بحث دیگری است. بسیاری از کشورهایی که در منطقه خاورمیانه در آنها جنبش‌های اجتماعی و قیام پاک صورت گرفت، از جمله کشورهایی بودند که به نظم بین‌المللی آسیبی نمی‌زدند. یعنی کشورهایی بودند که با نظم آمریکایی و با نظم اروپایی و نیز با نظم چینی و همچنین با نظم روسی در روابط بین‌الملل کنار آمده بودند. نه آقای بن‌علی، نه آقای حسنی مبارک، نه خلیفه بحرین، نه پادشاه سعودی، نه پادشاه اردن و نه سلطان عمان و نه دیگر رهبران منطقه خاورمیانه، هیچ کدام مخالف با نظم حاکم بر روابط بین‌الملل نبودند. حتی قذافی در لیبی سعی کرد بود سیاست خارجی و دیپلماسی اش را با نظم جاری در صحنه روابط بین‌الملل همراه کند. از همین روی؛ قیام‌های پاک سبب‌ساز نگرانی برای قدرت‌های بزرگ شدند که ممکن است منجر به بر هم زدن نظم بین‌الملل شوند.

نتیجه قیام پاک چیست؟ آیا نتیجه قیام پاک به قدرت رسیدن است که نظم موجود را مورد پذیرش قرار می‌دهند یا نظم موجود را به چالش می‌کشند؟ این امر سبب شد که قدرت‌های بزرگ در این موضوع احتیاط کنند. اما اینکه ما عنوان کنیم کشورهای شمال مخالف بودند یا به صورت کامل و صد‌صد در مقابل جنبش‌های سفید و پاک ایستادگی کردند، این تحلیل، تحلیل نادرست و غلطی است. چون ما در تونس، مصر و لیبی شاهد بودیم که کشورهای شمال، سرکوب قیام‌های جامعه را مورد اعتراض قرار دادند و خواهان این شدند که بر پایه استانداردهای حقوق بشری سازمان ملل متحد، حاکمان با شهروندان شان برخورد کنند. چه در قضیه یمن، چه در قضیه مصر، چه در تونس و چه در قضیه لیبی این اتفاق افتاد و اسنادش هم موجود و این نکته غیر قابل انکار است. پس می‌توان گفت اگر جامعه ملل که از دل حوادث

ترجمه

آیا کسی دیگر هوس دیکتاتوری می‌کند؟

عبدالباقی عطوان

■ پایان خوش نظام‌های دیکتاتوری در بسیاری از کشورهای عربی که به یمن انقلاب‌های مبارک مردمی در حال وقوع است، دیگر برای هر دیکتاتور عربی در حال و آینده دشوار خواهد بود که بتواند مانند گذشته به روش‌های سنتی مانند غارت اموال مردم و یا تکیه بر سازمان‌های اطلاعاتی و مصادره آزادی‌های عمومی حکومت کند. این روزها می‌شود مشکلات افرادی چون سوزان مبارک همسر رییس‌جمهور سابق را درک کرد که در یک طرف شوهرش درباره اموال و جرایمش تحت بازجویی است و از طرف دیگر فرزندانش که در حال حاضر در زندان طره به سر می‌برند. جایی که نه کولری دارد و نه تلویزیون و نه روزنامه‌ای می‌خوانند و تنها یک پنکه سقفی آنها را کمی خنک می‌کند.

میلیاردها دلار در بانک‌های اروپایی بلوکه شده در ساعت‌های آخر دوران حکومت مبارک قاچاق شده که از سر نوشت آنها نمی‌توان مطلع شد. از آن گذشته قتل بیش از ۲۰۰ نفر از جوانان مصری در میدان التحرير و سایر شهرهای مصر اتهام کوچکی نیست که به این افراد زده می‌شود. امپراتوری رعب و وحشت و فساد مصر مانند یک خانه عنکبوت فرو پاشید. آخرین ضربه کاری انحلال حزب حاکم و مصادره جمیع اموال و دارایی‌های آن و بستن همه شبهه‌هایش در نقاط مختلف مصر پس از بازداشت تعدادی از اعضای اش حمله صفت‌الشریف رییس این حزب بود که اخیرا احکمش صادر شد.

انقلاب مردمی جوانان مصری و آگاهی رهبران، عامل این دستاوردها بود که هم اکنون نیز به صورت اعمال فشار برای محاکمه هر چه سریع‌تر تمام مقامات رژیم گذشته و دیکتاتوری دوران مبارک در دادگاه‌های علنی ادامه دارد.

وضعیت سرهنگ قذافی و خانواده‌اش هم چندان تعریفی ندارد و شاید از وضعیت مبارک و خانواده‌اش بدتر باشد.

با وجود حکومتی که بیش از ۴۰ سال طول کشید و میلیاردها دلاری که در آفریقا و به انحاء مختلف در جهان خرج کرد تا وجه‌هایی برای خود داشته باشد به جایی رسید که هم اکنون حتی یک دوست هم ندارد تا از او دفاع کند. فراتر اینکه اکثریت مردم کشورش که او با الفاظ زشتی مانند آنچه بچه‌های خیابانی به کار می‌برند، آنها را موش و… خواند، خواستار محاکمه او به از تکاب جنایات جنگی بر ضد بشریت هستند.

زیرا تاکنون صدها نفر را در مصراته و الزاویه و درنه و سایر شهرهای لیبی کشته است. قذافی حتی دولتی پیدانمی‌کند که به او و خانواده‌اش پناه بدهند.

علی عبدالله صالح رییس‌جمهور یمن نیز وضعیتی مشابه این دو دارد. او نیز که تا چند روز دیگر بر سر قدرت نخواهد بود، به دنبال راهی برای خروج آبرومندانه خود و خانواده‌اش است. یعنی به صورتی که به خاطر ارتکاب جرایمی از جمله ترانندازی به سوی تظاهرکنندگان در میدان التحرير و کشتن ده‌ها نفر تحت تعقیب قرار نگیرد. قطعا زمانی که وی به شهر جده در عربستان سعودی پناهنده شود، آنجا همراهانی خواهد یافت زیرا زین‌العابدین بن علی رییس‌جمهور تونس نیز در همان جاست. شاید دیگران نیز به آنان ملحق شوند.

در حال حاضر آمریکا به دنبال پیدا کردن جایی برای میزبانی از قذافی است و چنانکه مقامات آمریکا، انگلیس و فرانسه گفته‌اند او در لیبی دیگر جایی ندارد. این تنها ملت‌ها نیستند که رژیم‌های دیکتاتوری عرب را در هم کوبیده و فرو می‌ریزند، بلکه اینها در درجه اول خود خدشان را ویران می‌کنند. جایگزین‌هایی که از دل این تحولات در هر کشوری بیرون می‌آید، نسبت به گذشته متفاوت خواهد بود.

منفوات از نظر بر خورد با مردم زیرا آنان هستند که به حکومت قدرت و اقتدار می‌دهند و به آینده‌ای درخشان رهنمون می‌شوند. ملت‌های عرب حکومت‌هایی می‌خواهند که عاقل باشند و آزادی و دموکراسی را رعایت و به حقوق بشر احترام بگذارند و شفافیت و پاسخگویی را رویه خود قرار دهند.

سیفاالاسلام قذافی به چه حقی مردم لیبی را تهدید می‌کند؟ به چه حقی جمال مبارک مانند امپراتوران رفتار می‌کرد و وزرا و سفرا را او تعیین می‌کرد؟ به چه حقی علی عبدالله صالح فرزندش احمد را برای حکومت بر یمن آماده می‌کند؟ اینها چه ویژگی‌هایی دارند که خود را برتر از همه مردم می‌دانند؟ بهتر است فرزندان قذافی یا صالح از سر نوشت فرزندان مبارک درس بگیرند و پیش از آنکه دیگر دیر شود در رفتار خود تجدید نظر کنند.

منبع: القدس العربی